

## بررسی رابطه توسعه پایدار اجتماعی و سرمایه اجتماعی نمونه: ساکنان محله غیررسمی شمیران نو

محمد علی شفیعا، دانشیار گروه مهندسی صنایع دانشگاه علم و صنعت ایران  
سعید شفیعا، کارشناس ارشد دانشگاه علامه طباطبائی\*

### چکیده

توسعه شهرها و تمرکز منابع در نقاط محدود، زمینه ساز جذب جامعه بشری به این پهنه‌های انسان ساز شده است. نیاز اقبال کم درآمد به مسکن شهری، باعث افزایش تقاضا برای بازار غیررسمی مسکن شده و اسکان غیررسمی نوعی از سکونت در شهرها را پدید آورده است. مشکلات فراوان این سکونتگاه‌ها برای توسعه پایدار شهری، مدیران شهری را به فکر تغییراتی در این سکونتگاه‌ها انداخته است، تا زمینه ساز کاهش طردشدگی و عدم انسجام اجتماعی این محلات گردد. سرمایه اجتماعی به عنوان دارایی که در میان اجتماعات این سکونتگاه‌ها جاری است، راه حلی مناسب برای کاهش هزینه‌های عمومی و ساماندهی این محلات به شمار می‌آید. این مقاله نتیجه پژوهشی با هدف ارزیابی تأثیرات سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار اجتماع غیررسمی شمیران نو است، که با روش تحقیق توصیفی-پیمایشی و جمع‌آوری ۴۰۰ نمونه آماری از طریق پرسشنامه انجام شده است. هدف پژوهش، بررسی اثرگذاری سرمایه اجتماعی در پایداری اجتماعی یک محله غیررسمی است. بنابراین، در صورت تحقق این رابطه، مسیری درونزا و پایدار برای پایداری اجتماعات غیررسمی تأیید می‌شود. در ضمن، این مهم هدفی کاربردی برای شهرداری‌ها بوده، در راستای مبانی نظری توسعه پایدار سکونتگاه‌های غیررسمی است. نتایج نشان می‌دهد، رابطه مثبت و معناداری میان سرمایه اجتماعی و شاخص‌های توسعه پایدار اجتماعی برقرار است که به وسیله اتصال به شبکه‌ها و اعتماد، تقویت می‌گردد. در این میان شورای محله به عنوان مهمترین رکن این رابطه، باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد و هر اقدامی که باعث مردمی شدن این شورا گردد، گونه‌ای از روش‌های ظرفیت‌سازی به شمار می‌رود. بر اساس تحلیل چند متغیره، اعتماد و اتصال به شبکه‌های اجتماعی، بیشترین اهمیت را برای دستیابی به توسعه پایدار اجتماعی بازی می‌کنند. در نهایت، مشخص گردید که استفاده از مؤلفه‌های غیررسمی سرمایه اجتماعی روش بالفعل و توسعه مؤلفه‌های رسمی سرمایه اجتماعی، روش بالقوه دستیابی به توسعه پایدار اجتماعی خواهند بود.

واژه‌های کلیدی: ظرفیت‌سازی، سرمایه اجتماعی، محله غیررسمی، شمیران نو، توسعه پایدار اجتماعی

## مقدمه

تحولات گسترده است. در این میان، سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه‌های مفهوم ظرفیت اجتماعی، از تعاملات روزانه ساکنان این محلات شکل می‌گیرد. این سرمایه که از اعتماد و قدرت شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی حاصل می‌شود، در صورتی که در راستای هنجارگرا بازسازی و تقویت شود، به انسجام و پایداری اجتماعی این محلات کمک می‌کند.

این تحقیق با رویکرد ساماندهی سکونتگاه غیررسمی و با تأکید بر سرمایه اجتماعی به عنوان مؤلفه‌ای اثرگذار برای دستیابی به پایداری اجتماعی، در یک محله غیررسمی واقع در شهر تهران انجام شده است. ضرورت کاهش هزینه‌های ناخواسته حاصله از ناپایداری این محلات برای نظام مدیریت شهری، علت اصلی انجام این پژوهش بوده است. بنابراین، مسأله اصلی پژوهش بررسی چگونگی رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه پایدار اجتماعی در یک محله غیررسمی است. مشخص شدن ابعاد مؤثر سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار اجتماعی و ارائه راهکارهای مدیریتی و اجتماعی، نوعی روش ظرفیت سازی برای محلات غیررسمی به شمار می‌رود. بنابراین، روش تحقیق توصیفی-پیمایشی با جمع آوری ۴۰۰ نمونه پرسشنامه در یک مقطع زمانی مشخص، زمینه ساز تحلیل‌های همبستگی و چند متغیره میان متغیرهای تحقیق است. ضمناً تحلیل‌های کیفی و نظرهای خبرگان در جمع‌بندی و ارائه بحث و بررسی‌های نهایی پژوهش، نقش کلیدی ایفا نموده است. این مقاله پس از معرفی مبانی نظری، روش تحقیق، مدل تحقیق، آزمون‌های آماری و تحلیل، در بخش بحث و بررسی و نتیجه‌گیری، به ارائه

شهرها با متمرکز نمودن اجتماعات مردمی در فضاهای محدود، مراکز تجمع منابع و اجتماعات انسانی هستند. این متراکم سازی‌ها در کنار مزیت‌های جانبی، آثار ناخواسته‌ای نیز به همراه داشته است. به استناد شواهد تاریخی و تحقیقات علمی، بخش غیررسمی و نابسامان شهری، به موازات بخش رسمی، در حال رشد و تکامل است. این بخش که به علت نیاز اقشار کم درآمد شهری به مسکن و ضعف برنامه‌های عمومی برای اسکان گروه‌های فقیر، رشد خیره‌کننده‌ای داشته است، به مراکز ناپایداری‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی تبدیل شده است. تجمع ناخواسته اقشار کم درآمد در این مکان‌ها باعث کاهش فرصت‌های ناحیه‌ای<sup>۱</sup> و طرد شدگی عمومی آنها شده است. صرف نظر از گونه‌های اجتماعی و دلایل آنها برای سکونت در این محلات، پایدارسازی و بهبود شرایط اجتماعی این سکونتگاه‌ها، یکی از مهمترین اهداف نظام مدیریت شهری است. این پیش فرض در تفکرات ساماندهی و بهسازی محلات نابسامان حاکم است که ظرفیت سازی و پایدارسازی اجتماعات غیررسمی، راه مطمئنی برای دستیابی به پایداری شهری است، زیرا انسان و اجتماعات مردمی موتور اصلی توسعه و محور اصلی تحولات محیطی و اقتصادی هستند و توسعه‌ای پایدار خواهد بود که از طریق خود مردم و به شکلی آگاهانه صورت گیرد. تجربیات جهانی نیز تأیید می‌کند که ظرفیت سازی و توانمندسازی این اجتماعات، راه حلی معقول و کم هزینه برای ایجاد

<sup>1</sup> Area Effects

نمونه‌های متفاوت محلات غیررسمی، از ویژگی‌های عمومی این محلات به حساب می‌آید و عاملی مؤثر برای سایر آسیب‌های شهری است (ربانی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۴۹).

ورود مباحث ظرفیت‌سازی به سکونتگاه‌های غیررسمی را می‌توان از تحولات حاصل از برنامه دوم مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد<sup>۱</sup> ردیابی نمود. تأکید این برنامه بر ظرفیت‌سازی برای شهرهای بهتر، با استفاده از توانایی‌های اجتماعی کنشگران حاضر در محلات شهری بوده و به نحوی منعکس‌کننده تجربیات کاربردی و نتایج حاصل از مداخلات گوناگون در سکونتگاه‌های غیررسمی است (UN-HABITAT, 2005: 31). نگاه اجتماع‌محور که به دنبال بهره‌برداری از کنش‌های اجتماعی در جهت بهبود زندگی است، دارای پیشینه‌ای غنی است، که به کارهای ماکس وبر، کارل مارکس، زیگموند فروید و ماکس هورکهایم باز می‌گردد. در این نگرش، پذیرفته شده است، که شکل‌گیری محلات غیررسمی تنها به علت تغییرات جمعیتی و رشد جمعیت شهرنشین نیست و نقص‌های سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی نیز در این فرایند دخیل هستند (محمدی و روستا، ۱۳۸۴: ۹۱). بنابراین برای بهبود پایدار اوضاع نابسامان این محلات، تأکید بر تمامی سطوح لازم است و برنامه‌های ظرفیت‌سازی باید چند وجهی انجام شوند. تصویر شماره ۱ نشان دهنده نقاط کلیدی ظرفیت‌سازی است.

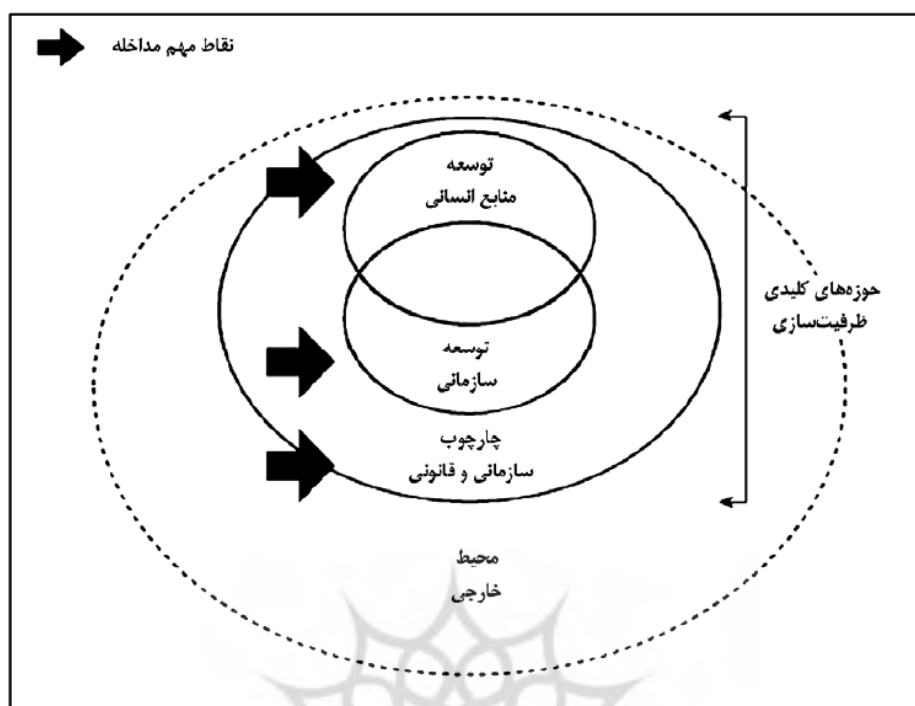
یافته‌های پژوهشی حاصل شده از محله غیررسمی شمیران نو می‌پردازد.

## ۲- مبانی نظری

### ۲-۱- ظرفیت‌سازی محلات غیررسمی

تجربیات کاربردی نشان داده است، مداخلات کالبدی و تخریب محلات نابسامان شهری، باعث انتقال مسأله به جای دیگر شهر می‌شود و مشکلات در جایی دیگر به صورت حل نشده باقی می‌ماند. تزریق منابع مالی و ساخت و سازهای انبوه، با هزینه‌های زیاد و نتایج غیرمنتظره‌ای همراه بوده است (ایراندوست، ۱۳۸۸: ۱۳۷). در حالی که این هزینه‌ها به سرعت به وسیله کارکرد بازار خنثی می‌شوند و اهداف تعریف شده حاصل نمی‌گردد. عدم مداخله و نادیده انگاری تحولات این محلات نیز نوعی اکتفا به تماشای پوسیدگی و فساد است که گره از مشکلی باز نمی‌کند (هاروی، ۱۳۷۶: ۲۱). فراز و نشیب‌های فکری و عملی اخیر سازمان‌های بین‌المللی برای مداخله در محلات غیررسمی باعث شد، راه حل‌هایی کم هزینه و در عین حال کارا، در اولویت قرار گیرند. بنابراین، توسعه منابع انسانی ساکن در این محلات، نسبت به سایر روش‌ها مقدم شد و ظرفیت‌سازی و توانمندسازی در دستور کار قرار گرفت (پیران، ۱۳۷۳: ۲۲). پیش زمینه ذهنی فعلی این گونه است که، ساکنان این محلات به ناچار در چنین اوضاعی قرار گرفته‌اند و علی‌رغم تمایل، توان بهبود شرایط زندگی خود را ندارند. بنابراین، هر اقدامی که آنها را در رفع مشکلاتشان همراهی کند، در دراز مدت زمینه ساز بهبود محلات غیررسمی خواهد شد. جای تأکید دارد که وجود تنوع فرهنگی، نابرابری‌های اجتماعی و نبود فرصت‌های شغلی در

<sup>1</sup>Habitat



شکل شماره ۱ - نقاط کلیدی ظرفیت‌سازی

مأخذ تصویر: (مرکز سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل، ۱۳۸۸: ۲۹۲)

نهفته در شبکه‌های اجتماعی، که زمینه برقراری مشارکت و کاهش هزینه‌های عمومی را فراهم می‌سازد. شناخت و استفاده آگاهانه از این سرمایه، فرصتی است برای ایجاد ظرفیت در جهت مشارکت پایدار، با افزایش شانس پذیرش نتایج مشارکت به وسیله ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی (شفیعا، ۱۳۸۹: ۷۰).

#### ۱-۲- سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی زاده تعاملات انسان‌ها و محصول آشنا بودن افراد با یکدیگر است که با گذر زمان رشد کرده، ارزشمندتر می‌شود. بنابراین، هیچ‌گاه در مالکیت فرد خاصی نیست و همواره در جریان است.

از دیدگاه مرکز سکونتگاه‌های انسانی، ظرفیت‌سازی فراتر از آموزش و به معنای تقویت سازمان‌ها و چارچوب‌هایی است که در فرایندهای مربوطه فعالیت می‌کنند. بنابراین، ظرفیت‌سازی مناسب باید در سطوح توسعه منابع انسانی، توسعه سازمانی و بهبود چارچوب‌های سازمانی و قانونی انجام گیرد، تا شکلی پایدار به دست آورد. بسیاری از حکومت‌های محلی در عرضه خدمات و انجام برنامه‌ها با ضعف‌های ظرفیتی روبه‌رو هستند که در جریان کوشش برای برآورده سازی آنها، ایجاد مشارکت یکی از راهکارهای مطلوب و کاهنده هزینه‌ها تلقی گردیده است (همان: ۲۹۸). سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد با ارزش ظرفیت اجتماعی، استعدادی است

است. پوتنام با توجه به اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی، بهبود شرایط اقتصادی را نهایت سرمایه اجتماعی می‌داند. مک ایوین با نگاهی منفی و با تمرکز بر قدرت تسلط گروه‌های اجتماعی، بحث میزان هنجارگرایی شبکه‌های دارای سرمایه اجتماعی را مد نظر قرار داده، به تخریب‌گری‌های احتمالی سرمایه اجتماعی توجه می‌کند (فیلد، ۱۳۸۸: ۱۱۹-۱۴۸). نکته درخور تامل اینکه برخلاف سایر سرمایه‌ها، مصرف هر چه بیشتر این سرمایه با باز تولید و افزایش آن همراه است، زیرا این فرایند با تقویت اعتماد و تسهیل تعاملات اجتماعی، زمینه ساز توسعه سرمایه اجتماعی را فراهم می‌سازد.

اندازه‌گیری مستقیم شبکه‌ها یا اعتماد، در کنار اندازه‌گیری غیرمستقیم مفاهیم مرتبط با سرمایه اجتماعی، روش‌های مرسوم پژوهش‌های سنجش سرمایه اجتماعی هستند (شریفیانی ثانی و ملکی سعید آبادی، ۱۳۸۵: ۴۸-۵۱). در این پژوهش، کوشش شده است ترکیبی از تمامی این رویکردها استفاده شود. بنابراین، مطابق جدول شماره ۱، چهار بعد اتصال به شبکه‌های اجتماعی، هنجارگرایی، اعتماد و مشارکت، برای سنجش سرمایه اجتماعی انتخاب شدند. شایان ذکر است که برای استخراج کنشگرانی که مشارکت ساکنان با آنها برای دستیابی به توسعه پایدار محله‌ای لازم است، چهار حوزه اصلی کنشگری به شکل حوزه‌های رسمی دولتی، غیررسمی خصوصی، دولت مرکزی و عناصر منتخب شهروندان استفاده شدند (کاظمیان و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۲: ۱۲۴).

از آنجا که کنش و واکنش‌های افراد در تعاملات جمعی صورت می‌گیرد، خانواده‌ها، سازمان‌ها، نهادها و ساختارهای اجتماعی، حاوی چنین سرمایه‌ای هستند. این سرمایه مانند سایر سرمایه‌ها، قابلیت تبدیل به گونه‌های دیگر سرمایه را داراست و در شرایط نیاز، به پوشش خلأهای اجتماعی، اقتصادی، محیطی و تکنولوژیک می‌پردازد. سرمایه اجتماعی با اینکه دارای پیچیدگی‌های مفهومی و موضوعی است، سازه‌ای پرکاربرد و جذاب برای محققان به شمار می‌رود. کاربرد این مفهوم در حیطه‌هایی چون توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی، آموزش و تعلیم، بهداشت و پایداری زیست-محیطی، زمینه ساز توسعه مبانی آن در رشته‌های مختلف شده است (پیران و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۰-۳۹). مبدا مشخصی برای آگاهی بشر نسبت به این سرمایه وجود ندارد، زیرا بر اساس اسناد تاریخی، اقوام پیشین توجه ویژه‌ای به تعاملات بین فردی داشته‌اند و همواره این سرمایه به گونه‌های مختلف استفاده شده است، اما ماشینی شدن زندگی انسان‌ها در عصر اخیر، که با کاهش تعاملات اجتماعی و از خودبیگانگی‌های فردی همراه شده است، عاملی مؤثر برای بازاندیشی و گرایش اندیشمندان به این گونه ناملموس از سرمایه قلمداد می‌گردد (شفیعا، ۱۳۹۰: ۷). پژوهشگران رشته‌های مختلف، مفهوم سرمایه اجتماعی را بر اساس کاربردهای مدنظرشان تعریف کرده‌اند. فوکویوما با ذهنیت مثبت، دستیابی به نتایج اقتصادی را مورد توجه قرار داده و اشتراک اعضای گروه در راستای دستیابی به تعاون را بررسی کرده

## جدول شماره ۱ - ابعاد، مؤلفه‌ها و مراجع مرتبط با چارچوب سرمایه اجتماعی تحقیق

مؤلفه‌ها	زیر مؤلفه‌ها	محققان تأیید کننده داخلی	محققان تأیید کننده خارجی	ابعاد	رویکرد
یاور بودن	غیررسمی		(Mignone, 2003)	هنجارگرایی	
قانون‌گرایی	رسمی	(الوانی و سید نقوی، ۱۳۸۱) پیران	(Edwards, 2004)		
دوستی		و همکاران، ۱۳۸۵) (نوابخش و فدوی، ۱۳۸۷)	(Carroll, 2001)	اتصال به شبکه‌ها	
پیدا کننده شغل	غیررسمی		(Mignone, 2003)		
ضمانت وام	رسمی		(Edwards, 2004)		
راهنمایی قانونی					
همسایه‌ها					
سایر اقوام محله	غیررسمی	(ناطق پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۴) (عبدالرحمانی، ۱۳۸۴) (ربیعی، ۱۳۸۳) (قنبرلو، ۱۳۸۳) (گیدنز، ۱۳۷۷) (پیران و همکاران، ۱۳۸۵) (نوابخش و فدوی، ۱۳۸۷)	(Buck, 2005)	اعتماد	
صاحبان کسب و کار محله			(Mignone, 2003)		
شورایاری			(Edwards, 2004)		
شهرداری	رسمی				
دولت					
نمایندگی عمومی محله	غیررسمی		(The World Bank Group, 2003)		
برنامه ریزان طرح توسعه نیروی انتظامی					
کارمندان خدمات شهری	رسمی		(Harper & Kelly, 2003)	مشارکت	
امور مالی شهری			(Onyx & Bullen, 2000)		

ماخذ جدول: جمع‌آوری نگارندگان

از قدرت را تشکیل می‌دهند. این قدرت هم وسیله‌ای برای حل مشکلات اعضا و هم عاملی برای جذب اعضای جدید به شمار می‌رود. از آنجایی که عضویت در شبکه‌های اجتماعی باعث کاهش مخاطرات حاصل از عدم اطمینان‌های محیطی است،

۱-۲- تعریف مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی  
 اتصال به شبکه‌های اجتماعی: شبکه اجتماعی، ساختاری اجتماعی است که به سبب همبستگی میان اعضای گروه تشکیل می‌شود. این ساختارها براساس نوع، خصلت و توانایی‌های اعضا، گونه‌های مختلفی

سرمایه اجتماعی بر مشارکت پذیری مردمی بوده‌اند (ناطق پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۵ : ۱۶۵-۱۸۳). تنها عضویت در شبکه‌های اجتماعی، شرط لازم برای حل مشکلات و بهره برداری از فرصت‌های ناحیه‌ای نیست، بلکه وجود احساسی مشترک و تمایل برای مشارکت، بخش فعال کننده شبکه‌های اجتماعی است (فیلد، ۱۳۸۸ : ۹).

**هنجارگرایی:** براساس نقدهای محتوایی وارده به روش‌های سنجش سرمایه اجتماعی، در کنار کمیت‌های اندازه پذیر شبکه‌ها<sup>۱</sup>، ابعاد کیفی موجود در این ساختارهای اجتماعی نیز باید مورد توجه قرار گیرند (شریفیانی ثانی و ملکی سعید آبادی، ۱۳۸۵ : ۵۴). استفاده از سرمایه اجتماعی صرف نظر از مزایا و کاستی‌های آن، توجه عمومی به مباحث اخلاقیات مدنی و مردم سالاری را طلب می‌نماید (پیران و همکاران، ۱۳۸۵ : ۴۰). در این میان، هنجارگرایی به عنوان یکی از ابعاد کیفی، به ویژگی‌ها و اهداف آگاهانه در روابط گروه‌های اجتماعی اشاره دارد. بنابراین، اینکه سرمایه اجتماعی شکل گرفته تا چه اندازه با هنجارها و استانداردهای اخلاقی مرسوم جامعه مطابقت دارد، به عنوان هنجارگرایی شناخته می‌شود (فیلد، ۱۳۸۸ : ۱۳۸).

## ۲-۲- توسعه پایدار اجتماع محله‌ای

پس از مشخص شدن پیامدهای توسعه صرفاً اقتصادی، مبانی توسعه پایدار به عنوان یک پارادوکس اجرایی در ساحت علوم مختلف وارد شد. اینکه

به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی سرمایه اجتماعی به حساب می‌آیند (فیلد، ۱۳۸۸ : ۹). ایجاد فرصت‌های شغلی، کاهش اضطراب، افزایش اعتماد به نفس، دستیابی به موقعیت‌های اقتصادی، دستیابی به گروه همسالان و تسهیل فعالیت‌های روزانه، از جمله نتایج به دست آمده از اتصال به شبکه‌های اجتماعی است.

**اعتماد:** نگرش مثبت میان اعضای شبکه را که به سبب شناخت و تعامل دوجانبه حاصل می‌گردد، اعتماد می‌دانند. اعتماد به عنوان قلب اصلی سرمایه اجتماعی، در حالی که وسیله‌ای برای ایجاد سرمایه اجتماعی است، یکی از مهمترین اهداف آن نیز به حساب می‌آید (شفیعا، ۱۳۸۹ : ۲۰۷). اعتماد باعث احساس امنیت، آرامش و تمایل به مشارکت می‌شود. اعتماد و جلب اعتماد به مثابه گریس اجتماعی فرض می‌گردد که چرخ مبادلات اجتماعی و اقتصادی را روغن کاری کرده، در صورت نبود آن، تعاملات روزانه بسیار هزینه‌زا و سخت می‌گردد. بنابراین، ابعاد مختلف اعتماد، نشان دهنده روش‌های مختلف دستیابی به منابع است (فیلد، ۱۳۸۸ : ۱۰۶).

**مشارکت:** مشارکت به معنی تعهدی مشترک برای انجام فعالیتی معین است که در آن پیگیری اقدامات به صورت توافقی و آگاهانه صورت می‌گیرد. هر چند مشارکت دارای سطوح متفاوتی است، اما قرارگیری در هر یک از پله‌های این نردبان، دلیلی بر وجود سطحی از قدرت شهروندی و استعدادی برای شکل‌گیری تبادلات اجتماعی است (شریفیانی ثانی، ۱۳۸۰ : ۴۴). در این میان، مشارکت به عنوان یکی از نتایج با اهمیت سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است و محققان مختلف به دنبال ارزیابی آثار

<sup>۱</sup> مثل تعداد اعضای شبکه یا تعداد شبکه‌هایی که یک فرد عضو آن است

توسعه‌ای بتواند تمامی عوامل توازن میان اجتماع، اقتصاد و محیط را فراهم نماید، خواسته‌ای متناقض است، که در این دیدگاه به عنوان غایت مطلوب مطرح شده است. بهره‌برداری از منابع با توجه به نیاز نسل‌های آینده با تأکید بر دو رویکرد کاهش مصرف منابع تجدیدناپذیر و استفاده بهینه از منابع تجدیدپذیر، پیش شرط‌های توسعه پایدار شهری به شمار می‌رود (Kates & others, 2005 : 11-18).

توسعه پایدار در شهرها به معنی توجه همزمان به محیط زیست شهری و محیط‌های انسان ساز است، به شکلی که منافع اقتصادی باعث رقابت‌های ناسالم کاربری‌ها نشده، تعامل میان بخش‌های صنعت، مسکن و تجارت، با کاهش کیفیت زندگی شهری همراه نباشد. توسعه پایدار محله‌ای به معنای به ثمر رساندن پروژه‌ها و طرح‌های محله‌ای در راستای رفع مسایل، نیازها، مشکلات افراد و سازمان‌های محله‌ای، مشروط به حفظ اولویت‌های ضروری حیات شهری است (نصیری، ۱۳۸۷ : ۱۱-۲۳). جای تأکید دارد که پیاده‌سازی پایداری، کار ساده‌ای به حساب نمی‌آید (هال، ۱۳۸۸ : ۹)، زیرا با نگاه سیستمی، شهر همواره در حال تحولی پویاست و دستیابی به پایداری مستلزم داشتن نگاهی چند وجهی است (قرخلو، ۱۳۸۵ : ۱۵۹). انسان و جوامع انسانی، پیچیده‌ترین اجزای نظام شهری هستند. بنابراین، می‌توان پایداری اجتماعی را یکی از مهمترین ابعاد توسعه پایدار شهری دانست.

توجه به انسان در مبانی توسعه پایدار، بیش از آنکه در حقوق عمومی برای بهره‌برداری از نتایج توسعه خلاصه شود، هدف اجتماعات انسانی در راستای دستیابی به توسعه مرتبط است. در این نظام، انسان به عنوان محرک اصلی فرآیند و اجتماعات انسانی به

عنوان مراکز اصلی شکل‌گیری توسعه پایدار معرفی می‌گردد (نراقی، ۱۳۸۰ : ۲۰۷). دستیابی به رضایت و آسایش در کنار فعال سازی و مقتدرسازی اجتماعات مردمی، مهمترین اهداف توسعه پایدار اجتماعی است. این توسعه باید با اصلاح نظام اداری، حکمروایی شهری، افزایش انسجام و هویت بخشی اجتماعی در سطوح مختلف خانوادگی، محلی، منطقه‌ای و ملی همراه باشد (نوابخش و ارجمند سیاه پوش، ۱۳۸۸ : ۱۷۷). بنابراین، همبستگی اجتماعی، امنیت اجتماعی - اقتصادی، ادغام و توانمندسازی اجتماعی، مهمترین مؤلفه‌های توسعه پایدار اجتماعی به شمار می‌روند (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸ : ۶۷-۸۸). این نکته درخور تأمل است که تعریف توسعه پایدار اجتماعی بدون توجه به ابعاد اقتصادی، فرهنگی، ارزشی، محیطی و تکنولوژیک، اقدامی یک جانبه و اشتباه است، زیرا تعاملات کنشگران که سازنده حقیقی زندگی شهری است، به توسعه پایدار شهری معنی و مفهوم می‌بخشد. بنابراین، توسعه پایدار اجتماعی، توسعه‌ای است همه جانبه، با مرکزیت جوامع انسانی، با هدف کاهش شکاف‌ها، آسیب‌ها و تعارضات اجتماعی، در کنار توجه به خواسته‌های نسل‌های آینده، با مدیریت مصرف منابع طبیعی و توزیع متوازن اقتصادی. یکی از بزرگترین مشکلات سنجش پایداری، نبود آمار در سطح محله‌ای است. این کمبود باعث شده تا محققان داخلی برای ساخت شاخص‌های پایداری، بسیار بکوشند. در این تحقیق، کوشش شد ترکیبی از شاخص‌های داخلی و خارجی، با استفاده از نظرهای خبرگان و با تأکید بر محله غیررسمی استفاده شود، که در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است.



## جدول شماره ۲- مؤلفه‌های منتخب توسعه پایدار اجتماعی

مؤلفه‌ها	محققان تأیید کننده داخلی	محققان تأیید کننده خارجی	بعد
	(نوابخش و ارجمند سیاه پوش، ۱۳۸۸)		
	(غفاری و امید، ۱۳۸۸) (سالک، ۱۳۸۶) (نوریان)	(Urban Ecology Coalition, 1999)	
امنیت اجتماعی	و عبداللهی ثابت، (۱۳۸۵) (بیگلری، ۱۳۸۹) (سیامکی، ۱۳۸۹)	(Jozsa & Brown, 2005)	
	(نوابخش و ارجمند سیاه پوش، ۱۳۸۸)		
توسعه پایدار اجتماعی	(غفاری و امید، ۱۳۸۸) (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۸) (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۸۵) (توکل‌ی نیا و استادی سیسی، ۱۳۸۸)	(BNIA, 2005) (Urban Ecology Coalition, 1999)	
	(غفاری و امید، ۱۳۸۸) (عزیزی، ۱۳۸۵) (نوریان)		
حس تعلق اجتماعی	و عبداللهی ثابت، (۱۳۸۵) (بیگلری، ۱۳۸۹) (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۸) (سیامکی، ۱۳۸۹)	(Urban Ecology Coalition, 1999) (Seattle, 2004)	
	(غفاری و امید، ۱۳۸۸) (نوابخش و ارجمند سیاه پوش، ۱۳۸۸)	(Urban Ecology Coalition, 1999) (Jozsa & Brown, 2005)	توسعه یافتگی

مرجع: جمع آوری نگارندگان

## ۱-۲-۲- تعاریف مؤلفه‌های توسعه پایدار اجتماعی

امنیت اجتماعی: امنیت اجتماعی مفهومی است روان‌شناختی که به سبب تغییرات مستقیم و غیرمستقیم مادی و معنوی حادث می‌شود. این مفهوم به دو نوع ذهنی و عینی تقسیم می‌شود. امنیت ذهنی شامل ادراک افراد از شرایط زندگی آنها و موقعیت ثبات آنها در جامعه خلاصه می‌شود و امنیت عینی به مؤلفه‌های حقیقی ایجاد کننده امنیت مرتبط است (امیرکافی، ۱۳۸۸: ۴۸). یکی از کلیدی‌ترین اهداف توسعه پایدار، ایجاد امنیتی پایدار در سطوح مختلف ملی تا محلی است. این که فرد حس کند در موقعیت امنی قرار دارد و اینکه شرایط عینی اثبات نماید شاخص‌های امنیتی در حد قابل قبول است، هدف توسعه پایدار به حساب می‌آید. بنابراین، انتظار

می‌رود، توسعه به جای سلاح، زمینه ساز تأمین امنیت باشد و هر چه توسعه محقق می‌گردد، امنیت عینی و ذهنی با افزایش روبه رو شود (نوابخش و ارجمند سیاه پوش، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

انسجام اجتماعی: هر چند معنی روشنی برای انسجام اجتماعی وجود ندارد، اما در میان ادبیات تحقیقی به جای مانده، مباحث مرتبط با تعارضات و تعاملات اجتماعی بیشتر به چشم می‌خورد. این مفهوم در حالی که از خصوصیات فردی تأثیر می‌گیرد، از تفاوت‌های نژادی و قومیتی نیز متأثر است (Buch, 2005: 46-47). برخی ساخت انسجام اجتماعی را با بررسی خصوصیات فضاهای عمومی و مدیریت ترافیک محله‌ای انجام می‌دهند (عزیزی، ۱۳۸۵: ۳۸) و برخی افزایش مشارکت و پیوستگی به نهادهای رسمی و

بنابراین، توسعه یافتگی انسانی به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار اجتماعی به حساب می‌آید (نوابخش و ارجمند سیاه پوش، ۱۳۸۸: ۸۱-۸۵).

### ۲-۳- کاربرد سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار اجتماعی

برای توسعه محلی دو رویکرد نیاز مبنا و دارایی مبنا مفروض است. رویکرد نیاز مبنا با توجه به نداشته‌ها و کمبودهای محلی، به دنبال ساخت برنامه‌های اصلاحی است که در آن سرانه‌های مورد نیاز به عنوان اهداف توسعه مطرح گردند. بنابراین، در این رویکرد بودجه و امکانات مالی به جای ساکنان مورد توجه قرار می‌گیرد، در حالی که در رویکرد دارایی مبنا با نگاهی جامع نگر به بسیج دارایی‌های اجتماعی و کالبدی توجه شده، بر استفاده از ظرفیت‌ها و توانایی‌های مردمی تأکید می‌شود. در این رویکرد، هر گونه هزینه برای ارتقای اجتماعات مردمی، نوعی سرمایه‌گذاری بلند مدت به شمار می‌رود و دستیابی به پایداری از طریق اجتماعات محلی مقدور می‌گردد (UN-HABITAT, 2008: 1-2). تحقیقات نشان داده است که در رویکرد دارایی مبنا، ظرفیت‌سازی اجتماعی که بر اساس ارزش‌ها و اولویت‌های مردمی شکل گرفته باشد، به توسعه پایدار اجتماعی منجر خواهد شد (Eade, & Williams, 1995: 9). سرمایه اجتماعی با مرکزیت اعتماد و حاصل از تعاملات روزانه در شبکه‌های اجتماعی، یکی از پرکاربردترین مفاهیم مرتبط با ظرفیت اجتماعی است (De Vita and others, 2001: 5-33). نتایج تحقیقات کاربردی نشان داده که افزایش سرمایه اجتماعی هنجارگرا، با افزایش سطح سلامت جسمی و روحی جامعه همراه است (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸: ۸۵). ضمناً با افزایش سرمایه اجتماعی هزینه‌های مبادله کاهش یافته، تقویت روابط

غیررسمی محلی را شاخص‌های خوبی برای درک سطح انسجام اجتماعی می‌دانند (توکلی نیا و استادی سیسی، ۱۳۸۸: ۳۲-۳۶). اما با تمامی ملاحظات مذکور، جامعه‌ای به سمت پایداری هدایت می‌شود که با هم آمیختگی و تعاملات سازنده همراه شده، تعارضات و چالش‌های اجتماعی حاصل از توسعه را به خوبی مدیریت نماید. این هدف با توجه به ترکیبی از مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی، محیطی و فرهنگی تحقق یافته مدیریت می‌شود.

حس تعلق اجتماعی: حس تعلق که یکی از مهمترین آثار توسعه پایدار و از شاخص‌های کلیدی کیفیت زندگی شهری است، حس خوبی است که از ترکیب عوامل مرتبط با حس مکان، هویت محله، خاطرات جمعی و حس تعلق به جامعه محلی، ایجاد می‌شود (سیامکی، ۱۳۸۹: ۱۸). توسعه‌ای ناپایدار است که بدون توجه به مؤلفه‌های انسانی و اجتماعی، به شکلی برونزا حادث شود و به مرور با ایجاد حس غریبگی ساکنان شهرها نسبت به محیط زندگی و اجتماعی محله همراه باشد. ایجاد هویت، سرزندگی، پویایی، سازگاری، رعایت حداقل‌های سرانه‌ای (عزیزی، ۱۳۸۵: ۳۸-۴۰)، تشکیل برنامه‌های مشارکتی توسط نهادهای محلی، جذب مشارکت عمومی برای اداره محله و پشتیبانی از برنامه‌های مذهبی، روش‌هایی است که نهایتاً به ایجاد حس تعلق محلی منجر خواهد شد.

توسعه یافتگی: نیروی انسانی مهمترین مسأله در توسعه به شمار می‌رود. محور شدن انسان در فرایند توسعه، ایجاد عدالت عمومی در توزیع منابع را در اولویت راهبردها قرار می‌دهد. تعلیم و تربیت، مهمترین عوامل دگرگون‌کننده نگرش و کردار بشری برای دستیابی به رشد اقتصادی، کیفیت زندگی، تأمین فرصت‌های شغلی و افزایش تولید جامعه است.

باعث شده است که سازمان‌های جهانی این سرمایه را وسیله و هدفی مناسب برای شکل‌دهی اجتماعات غیررسمی قلمداد نمایند و اقدامات اصلاحی عدیده‌ای در این راستا انجام دهند.

#### ۴-۲- پیشینه تجربی تحقیق

با مرور تحقیقات به جای مانده در خصوص ارزیابی ارتباط سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار اجتماعی، مشخص شد که پژوهش‌های میدانی زیادی در محلات غیررسمی صورت نگرفته است. خاکپور و همکاران پس از بررسی‌های پیمایشی در مشهد، رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار محله‌ای را تأیید کردند و به این نتیجه رسیدند که شرط تحقق توسعه پایدار محله‌ای، توجه به مؤلفه‌های ذهنی سرمایه اجتماعی است (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۵). کتابی و همکاران در اصفهان با استفاده از پرسشنامه اثبات نمودند، میان سرمایه اجتماعی و توسعه فرهنگی و اجتماعی رابطه معناداری برقرار است (کتابی و همکاران، ۱۳۸۳). بوهیان و اورز در تحقیقی، ارتباط میان سرمایه اجتماعی و ابعاد توسعه پایدار را تأیید کردند (Bhuiyan & Evers, 2005: 123). نارایان و پریتچت در خانوارهای تانزانیایی، رابطه میان سرمایه اجتماعی و کیفیت آموزشی را تأیید کرده، مدعی شدند خانوارهایی که سرمایه اجتماعی بالاتری دارند، در آموزش و پیشرفت‌های اجتماعی موفق‌ترند (Narayan & Pritchett, 1999: 871-897). اسدی و همکارانش در بررسی روش‌های ترمیم فقر، رابطه میان سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی را تأیید کردند (Asadi & others, 2008: 202). در صورت اثبات روابط مذکور در محله غیررسمی شمیران نو، می‌توان مدعی بود یکی از روش‌های مطلوب ظرفیت‌سازی برای دستیابی به توسعه پایدار اجتماعی، برطرف

غیررسمی، تسهیل قراردادهای و تعاملات رسمی را سبب می‌شود. بنابراین، اجتماعات محلی شکلی از همبستگی و انسجام تجربه می‌کنند. احساس مسئولیت نسبت به محیط زندگی خصوصی و عمومی باعث شکل‌گیری نظارت نامحسوس شده، فضاهای عمومی به شکلی پایدار مورد توجه ساکنان محله قرار می‌گیرند. بنابراین، فضاهای عمومی نقش جدیدی برای اتصال دهندگی ساکنان محله پیدا می‌کند و افزایش تراکنش‌های مبتنی بر اعتماد به شکل‌گیری خاطرات جمعی منجر می‌شود. از سویی، افزایش حلقه اعتماد در میان ساکنان محله، باعث تقویت شانس اشتغال شده، کسب درآمد از طریق دیگران را فراهم می‌سازد و زمینه‌ای مناسب برای دسترسی عادلانه به منابع اقتصادی و رفاهی خواهد بود (شفیعا، ۱۳۹۰: ۳). سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در گزارشی اعلام کرد، محلاتی که به واسطه تعاملات اجتماعی ضعیف ساکنان آنها از یکدیگر بی‌خبر هستند، از نظر تعهد مدنی و احترام به قانون در سطح پایینی قرار دارند. بنابراین، سطح ارتکاب به جرایم بالاتری از آنها گزارش می‌شود و شکلی از ناپایداری اجتماعی در این اجتماعات بروز می‌نماید (ODBC, 2001: 54). از سویی تحقیقات نشان داده است در جامعه پویا و پرتلاطم شیکاگو معاصر، به میزان پیوستگی و اعتماد موجود در اجتماعات محلی، میزان جرم و جنایت و بی‌نظمی با کاهش همراه بوده است (Sampson & Raudenbush, 1999: 231). بنابراین، افزایش سلامت اجتماعی، کاهش جرایم، افزایش همبستگی و دلبستگی به محیط محله، تقویت اعتماد، کیفیت زندگی بهتر و ماندگاری کالاهای عمومی از نتایج اثبات شده افزایش سرمایه اجتماعی است. می‌توان انتظار داشت، در محله غیررسمی، سرمایه اجتماعی بالاتر با پایداری اجتماعی بیشتری همراه باشد. این پیش‌زمینه ذهنی

سازی موانع شکل‌گیری و مصرف سرمایه اجتماعی است.

### ۳- روش شناسی

تحقیق حاضر از نوع توصیفی-پیمایشی است که برای دستیابی به نتایج تحلیلی از همبستگی میان داده‌های آماری استفاده شده است. چارچوب نظری تحقیق، پس از مروری بر ادبیات مفاهیم اصلی تحقیق و جمع‌بندی پیشینه تحقیق، با استفاده از نظر خبرگان طراحی شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از محله شمیران نو، پرسشنامه محقق ساخت با طیف لیکرت با مقیاس فاصله‌ای استفاده شد. این پرسشنامه در سه مرحله بازبینی شد تا روایی ظاهری آن تأیید شود. در مرحله اول سؤال‌های طراحی شده بر اساس شاخص‌ها به خبرگان آشنا به مفاهیم تحقیق تحویل و از آنها خواسته شد، صحت تبدیل شاخص‌ها به سؤال‌های ارزیابی شود. پس از تأیید اولیه به وسیله خبرگان، پرسشنامه مذکور از سوی محققان به محله مورد نظر برده شد و مفاد و اهداف آن با تعدادی از ساکنان این محله به بحث گذاشته شد. از آنها خواسته شد تا رسا بودن و قابلیت درک سؤال‌های پرسشنامه را مورد بررسی قرار دهند. بنابراین، ادراک آنها از سئوالات با اهداف اولیه طراحی پرسشنامه مقایسه شد. پس از تغییرات کلامی اعمال شده در پرسشنامه، مجدداً از خبرگان از طریق طراحی پرسشنامه‌ای درخواست شد تا ابزار جمع‌آوری داده‌های تحقیق را از نظر واژگان، مقیاس‌ها و اهداف تعریف شده بررسی کنند. در پایان این مرحله نیز تمامی سؤال‌های طرح شده تأیید شد. بنابراین، فرآیند مذکور باعث شد شکل ظاهری، معرفت محتوایی، قدر کفایت سنجه‌ها و توانایی سؤال‌ها در انعکاس سنجه‌ها تأیید شود؛ هر چند روش روایی محتوا، روشی نه قطعی و

نه نهایی به حساب می‌آید (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۴۶). ضمناً برای اطمینان از صحیح درک شدن سؤال‌های پرسشنامه توسط جامعه هدف و ثبت صحیح پاسخ‌ها مقرر شد پرسشنامه‌ها توسط تیم پژوهشگر خوانده و پاسخ‌ها به وسیله آنها ثبت شوند. بنابراین، خطرهای احتمالی برای بروز تورش در انتقال و ثبت داده‌ها نیز به حداقل کاهش یافت. برای اطمینان از روایی سازه‌های تحقیق، از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده گردید. شاخص KMO که دلالت بر کفایت نمونه‌گیری دارد و نشان دهنده همبستگی جزئی متغیرهاست، برای سازه سرمایه اجتماعی معادل ۰,۷۸۴ و برای سازه توسعه پایدار اجتماعی معادل ۰,۶۱۲ استخراج شد. این مقدار باید بیشتر از ۰,۶ باشد تا تأیید شود (مومنی و قیومی، ۱۳۸۹: ۱۹۳). از سویی، مقداری با عنوان آزمون بارتلت وجود دارد که در صورت کوچکتر بودن از ۵ درصد نتایج حاصل را صحت‌گذاری می‌نماید. به علت کمتر بودن این مقدار از ۵ درصد، روایی سازه تحقیق نیز تأیید شد. ضمناً برای بررسی توانایی ابزار اندازه‌گیری برای متمایز کردن گروه‌های اجتماعی متفاوت، دو بخش از محله که از نظر توسعه یافتگی اجتماعی متفاوت بودند، انتخاب شدند و ۶۰ پرسشنامه به صورت تصادفی در میان آنها توزیع گردید. هدف از این اقدام، ارزیابی این نکته بود که آیا سنجه‌ها، دو جامعه را به گونه‌ای از هم تفکیک می‌نمایند که به پیش‌بینی یک متغیر ملاک کمک کند یا خیر (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۴۸). نتایج آزمون میانگین‌ها میان این دو بخش تأیید کرد که ابزار تحقیقی انتخاب شده، قابلیت انعکاس حقایق موجود در محیط اجتماعی محله را داراست و بخش جنوبی محله بر اساس ملاک پایداری و سرمایه

اجتماعی از مقادیر بالاتری برخوردار بود.<sup>۱</sup>

برای اطمینان از پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که از نظر محققان تقریباً در همه مواد می‌تواند شاخصی مناسب برای ارزیابی هماهنگی منطقی درونی پرسشنامه به حساب آید (همان، ۱۳۸۹: ۲۵۲). با استفاده از نرم افزار تحلیلی Spss مقدار ۰,۷۲۴ برای آلفای کرونباخ استخراج شد که نشان دهنده سطح قابل قبول این آزمون است. ضمناً پرسشنامه استفاده شده در این تحقیق، در دو پژوهش دیگر که از سوی محققان استفاده شده است و مقایسه یافته‌های به دست آمده از یافته‌های این دو پژوهش، در فاصله‌های زمانی متفاوت تأیید کننده پایایی ابزار اندازه گیری است (شفیعا، ۱۳۸۹؛ شفیعاً، ۱۳۹۰).

محلّه مورد بررسی در ناحیه ۷ منطقه ۴ شهرداری تهران قرار دارد، که به واسطه محدود بودن بخش‌های غربی، جنوبی و شمالی به پادگان، پارک و اتوبان، مسیر رفت و آمدی پر ازدحام شرقی دارد. اطلاعات جمعیتی نشان می‌دهد، این محلّه در سال ۱۳۸۵ دارای تراکم ناخالص ۲۱۱,۵ نفر بر هکتار بوده است که دو برابر تراکم منطقه ۴ است (مهندسان مشاور عرصه، ۱۳۸۸: ۸۵). ساخت و سازهای اولیه محلّه به واسطه تغییر کاربری‌های غیرمجاز، از کشاورزی به مسکونی در ۴۵ سال پیش، صورت گرفته است. به ادعای مسؤولان شورایی، هیچ یک از املاک محلّه به صورت عدوانی تصاحب نشده و تنها مورد غیرقانونی این محلّه، ساخت و ساز بی ضابطه و تغییر

کاربری‌های غیرمجاز است. بخش‌هایی از محلّه که دسترس پذیری پایینی دارند، همچنان با ساخت و سازهای نابهنجار همراه هستند. مهاجرت‌های متعدد به محلّه، الگوی اجتماعی سکونت قومیتی را تقویت نموده است و در بخش‌هایی به واسطه درگیری‌های قومیتی، شبکه‌های اجتماعی ضد یکدیگر فعالیت می‌کنند. اختلاط کاربری‌های مسکونی و کارگاهی در بخش‌هایی از محلّه از کیفیت زندگی کاسته و الگوی زندگی صنعتی را به محلّه تحمیل نموده است. در آخرین طرح تفصیلی منطقه ۴، توانمندسازی پهنه‌های فعالیت و سکونت این محلّه مورد تأکید ویژه قرار گرفته، بهبود کیفیت زندگی یکی از برنامه‌های طولانی مدت شهرداری قرار داده شد. در خلال تحقیقات مطالعه شده، سابقه‌ای از پژوهش‌های میدانی به جای مانده از این محلّه یافت نشد.

جمع آوری داده‌ها در آذر ماه ۱۳۸۹ صورت گرفت و محدوده تحقیق از شمال به اتوبان همت، جنوب بوستان الغدیر، شرق خیابان هنگام و غرب پادگان کوهک در شهر تهران محدود شد. با توجه به اطلاعات جمعیتی سال ۱۳۸۵، جمعیت محلّه معادل با ۷۹۶۰۵ نفر یا ۱۳۸۷۲ خانوار ارزیابی گردید (مهندسان مشاور عرصه، ۱۳۸۸: ۸۵). با توجه به نبود آماری مشخص برای سال ۱۳۸۹ با نظرهای کارشناسی جمع آوری شده از محققان آشنا به محلّه، تعداد حداقل ۱۵۰۰۰ خانوار برای زمان تحقیق شناسایی شد. برای برآورد حجم نمونه مورد نیاز به جدول مورگان مراجعه شد که حداقل ۳۷۵ نمونه شناسایی شدند. ضمناً به واسطه وجود خصوصیات بسیار متفاوت بخش‌های محلّه، ۵ پهنه کاملاً متفاوت به عنوان خوشه مورد نظر قرار گرفت و با توجه به تراکم جمعیتی گزارش شده از طرف کارمندان شهرداری و آشنایان به محلّه، جمعا ۴۰۰ نمونه کاملاً

<sup>۱</sup> این تفاوت بر اساس خصوصیات اجتماعی شناخته شده توسط اعضای شورایی و کارمندان شهرداری مورد تأیید قرار گرفته بود. ضمناً پژوهشگران برای اطمینان از این تفاوت‌ها، دو روز کامل به مشاهده و مقایسه این دو محیط متفاوت پرداختند. بخش شمالی به آسیب‌های اجتماعی و مهاجر پذیری، و بخش جنوبی به اعتقادات مذهبی و وجود مساجد و برنامه‌های مذهبی در کنار روابط همسایگی بسیار قوی مشهور بود.

تصادفی از این خوشه‌ها جمع‌آوری شد. برای شاخص‌ها جدول شماره ۳ چگونگی طیف‌بندی عملیاتی سازی مفاهیم تحقیق و قابل لمس شدن شاخص‌های تحقیق را نشان می‌دهد.

### جدول شماره ۳ - شاخص‌ها و طیف‌های به کارگرفته شده در پژوهش

مفهوم	مؤلفه	شاخص‌ها	طیف‌های به کارگرفته شده <sup>۱</sup>				
هنجارگرایی		میزان یاور بودن/ میزان قانون‌گرایی خود را چه مقدار ارزیابی می‌کنید؟					
		به همسایه‌ها/ قومیت‌های دیگر محله/ کسبه محله/ شورایاری/ شهرداری/ نیروی انتظامی و دولت چقدر اعتماد دارید؟	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
سرمایه اجتماعی	مشارکت	برای مشارکت با نیروی انتظامی/ برنامه ریزان طرح‌های توسعه/ امور مالی شهر/ شورای محله/ شهرداری/ خدمات شهری چه مقدار علاقمند هستید؟					
		با چند نفر به عنوان شبکه‌های دوستی/ کاری/ آشنا به قوانین/ ضمانت‌کننده وام ارتباط دارید؟	۰ تا ۲	۳ تا ۵	۶ تا ۱۰	۱۱ تا ۲۰	۲۱ و بیشتر
امنیت اجتماعی	مشارکت	احساس امنیت/ میزان آمادگی نیروی انتظامی برای برقراری امنیت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟	بسیار کم	کم	متوسط	بسیار زیاد	
		با چه تعداد از اعضای شورای محله آشنا هستید و می‌توانید با آنها حرف بزنید؟	۰ تا ۲ نفر	۳ تا ۵	۶ تا ۱۰	۱۱ تا ۲۰	۲۱ و بیشتر
انسجام اجتماعی		برای حل مشکلات همسایه‌ها چقدر حاضر هستید زمان/ پول خود را صرف کنید؟					
		دلبستگی شما به همسایه‌ها/ محیط محله/ کوچه‌های محله در چه سطحی است؟					
پایداری اجتماعی		چقدر تمایل دارید برای بهبود محله به صورت خودجوش هزینه یا همکاری کنید؟					
		چه مقدار برای همسایه‌های فقیر/ ناآشنا محله دلسوزی می‌کنید؟	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
حس تعلق اجتماعی		اگر شرایط مالی شما بهتر شود یا فرصتی برای سکونت در خارج محله پیدا کنید، چقدر ممکن است به خاطر دلبستگی به محله در آن بمانید؟					
		محله با همین شرایط اجتماعی/ اقتصادی را تا چه حد مال خود می‌دانید؟					
توسعه یافتگی اجتماعی		با چند نفر از ساکنین محله رفت و آمد خانوادگی دارید؟	۰ تا ۲	۳ تا ۵	۶ تا ۱۰	۱۱ تا ۲۰	۲۱ و بیشتر
		سطح تحصیلی شما در چه حد است؟	بی سواد	زیردیپلم	دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس
عمومی/ درک اجتماعی در چه سطحی است؟		استعداد تعامل اجتماعی/ برقراری روابط عمومی/ درک اجتماعی در چه سطحی است؟	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد

مأخذ جدول: توسط نگارندگان

<sup>۱</sup> طیف‌های جمعیتی و اجتماعی این تحقیق بر اساس پرسشنامه استاندارد کشور استرالیا (Edwards, 2004: 10-51) و نظرات خبرگان تهیه شده است.

در محله شاخص خوبی برای سنجش دلستگی افراد به محله نخواهد بود. ۵۲ درصد از ساکنان، پیش از اینکه در محله ساکن شوند، در بخش دیگری از همین محله سکونت داشته‌اند و تنها حدود ۱۸ درصد از پاسخ دهندگان، مبدأ مهاجراتی خارج استانی داشتند. بنابراین، نمی‌توان منشا اصلی مهاجران این محله را روستاییان و مهاجران خارج استانی دانست. در نتیجه، هم اکنون ساکنان این محله به سبب مشکلات مالی به این محله روی آورده‌اند و مبدأ سکونتی آنها نشان دهنده دارا بودن فرهنگ شهرنشینی آنهاست.

#### ۲-۴- سرمایه اجتماعی

آزمون میانگین‌ها نسبت به مقدار متوسط ۳ نشان می‌دهد، مقدار میانگین سرمایه اجتماعی شرایط ضعیفی را داراست که از ضعف عمومی اتصال به شبکه‌های اجتماعی و اعتماد عمومی سرچشمه می‌گیرد. مؤلفه‌های قابل قبول این مفهوم را هنجارگرایی و مشارکت پذیری تشکیل داده‌اند. بنابراین، رعایت هنجارهای تسهیل کننده روابط همسایگی و بسترهای خودجوش مشارکت‌پذیری از خصوصیات اجتماعات این محله است. اتصال به شبکه‌های اجتماعی کاری، ضمانتی و راهنمایی قانونی، بسیار ضعیف ارزیابی می‌شود. بنابراین، شبکه‌های اجتماعی که از موقعیت اقتصادی ساکنان حمایت کنند، در موقعیت مطلوبی قرار ندارند و از آنها انتظار اثرگذاری فهم اقتصادی بر خانوارهای محله نمی‌رود. اعتماد به قومیت‌های دیگر، فعالان اقتصادی محله، شوارایاری و شهرداری، در سطح بسیار نامطلوبی قرار دارد. بنابراین، کنشگرانی که برای توسعه پایدار محله نقش مؤثری خواهند داشت، با نگاه معتمدانه‌ای دیده نمی‌شوند. عدم اعتماد به قومیت‌های دیگر محله نشان دهنده نوعی شکاف در شبکه‌های اجتماعی محله است، که احتمال ایجاد

این تحقیق پنج فرضیه دارد که عبارتند از:

- فرضیه اول: میان هنجارگرایی و پایداری اجتماعی رابطه برقرار است.
- فرضیه دوم: میان اتصال به شبکه‌های اجتماعی و پایداری اجتماعی رابطه برقرار است.
- فرضیه سوم: میان اعتماد و پایداری اجتماعی رابطه برقرار است.
- فرضیه چهارم: میان مشارکت‌پذیری و پایداری اجتماعی رابطه برقرار است.
- فرضیه پنجم: میان سرمایه اجتماعی و پایداری اجتماعی رابطه برقرار است.

#### ۴- یافته‌ها

##### ۴-۱- آمار توصیفی

۳۰ درصد پاسخ دهندگان زنان و باقی را مردان تشکیل می‌دهند. زنان محله به سبب خصوصیات مذهبی خانوارها، تمایلی به مصاحبه با پرسشگران مذکر و مؤنث نشان ندادند؛ هر چند مقایسه میانگین‌ها اثبات نمود، اختلاف معناداری میان نتایج این دو گروه جنسی وجود ندارد. ۲۸ درصد پاسخ دهندگان زیر ۳۰ سال، ۳۲ درصد بین ۳۱ تا ۴۵ سال، ۲۳ درصد بین ۴۶ تا ۶۰ سال و ۱۷ درصد بالای ۶۰ سال سن داشتند. حدود ۶۷ درصد پاسخ دهندگان تحصیلات زیر دیپلم و تنها حدود ۱۰ درصد، تحصیلات دانشگاهی داشتند. بنابراین، سطح تحصیلات در محله در سطح پایینی ارزیابی می‌شود. حدود ۶۰ درصد از پاسخ دهندگان، بالای ۲۰ سال سابقه سکونتی در محله داشتند و تنها ۱۰ درصد نمونه‌ها، کمتر از ۵ سال در محله حضور داشتند. بنابراین، علی‌رغم مهاجرت‌های متعدد، بقا و ماندگاری ساکنان در محله، در سطح قابل قبولی قرار دارد. مصاحبه‌ها نشان می‌دهد بیش از ۷۰ درصد پاسخ دهندگان، ضعف مالی را عامل اصلی بقای در محله عنوان نمودند. بنابراین، بالا بودن مدت حضور

تعارضات قومیتی را نمایان می‌سازد. ضمناً دلیل اصلی مشترکی که ساکنان محله را از اتصال به نهادهای رسمی باز می‌دارد و سطح اعتماد به این نهادها را با کاهش روبه‌رو کرده است، ضعف فرایندهای رسمی برای حل مشکلات مردمی و ناتوانی‌های اجتماعی برای پیگیری مطالبات محلی عنوان گردید. بنابراین، گروه اجتماعی مورد بررسی، خصوصیت اجتماعی درونگرا و غیر منسجم را داراست. مقایسه میانگین‌ها در دسته‌بندی‌های سنی، جنسیتی و تحصیلاتی نشان می‌دهد که این سرمایه، مقادیر یکسانی در دسته‌های مذکور را داراست. این یافته نشان دهنده عدالت در توزیع سرمایه اجتماعی میان دسته‌های ذکر شده نیست و در ضعف عمومی اجتماعات این محله برای اتصال به شبکه‌های رسمی و فقدان اعتماد به نهادهای رسمی ریشه دارد.

محیط کالبدی محله است. بنابراین، شرایط کالبدی بر ایجاد حس تعلق و امنیت تأثیرگذار ارزیابی می‌شود. انسجام اجتماعی که به عنوان ضعیف‌ترین عامل این مفهوم شناسایی گردید، به علت عدم تمایل عمومی به محیط محله و عدم پذیرش نهاد شورا و نداشتن وقت برای تعاملات اجتماعی با همسایگان، در چنین شرایطی قرار دارد. بر خلاف انتظار، سطح توسعه یافتگی اجتماعی پاسخ‌دهندگان از سایر مؤلفه‌های پایداری اجتماعی در وضعیت مطلوب‌تری قرار داشت. بنابراین، علل اصلی ایجاد ناپایداری اجتماعی در این محله، بیش از آنکه به ضعف فردی مربوط باشد، به مشکلات اجتماعی مرتبط است، که البته، در ضعف اعتماد و وجود شبکه‌های اجتماعی با منافع متضاد ریشه دارد.

#### ۴-۴- آزمون فرضیه

با توجه به اینکه فرضیه‌های تحقیق، به دنبال شناسایی روابط میان دو متغیر است، آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. برای ساخت متغیرهای مدنظر، میانگین شاخص‌های مربوطه به صورت کمی استفاده شدند. فرضیه اول به دنبال سنجش رابطه میان هنجارگرایی و پایداری اجتماعی است. جدول شماره ۴ نشان دهنده آزمون همبستگی برای اثبات این رابطه است.

#### ۳-۴- توسعه پایدار اجتماعی

نتایج آزمون میانگین با مقدار فرض ۳ نشان می‌دهد، تمامی مؤلفه‌های پایداری اجتماعی در سطح ضعیف هستند. بنابراین، وضعیت اجتماعی محله در موقعیت ناپایداری قرار دارد. در این میان، نتایج حاصل از مؤلفه‌های حس تعلق و امنیت، به سبب پراکندگی نسبتاً زیاد، نشان دهنده توزیع غیر یکنواخت در

جدول شماره ۴ - آزمون فرضیه اول تحقیق

هنجارگرایی	
Pearson Correlation	۰۷۹۰
Sig. (2-tailed) پایداری اجتماعی	۱۱۵۰
N	۴۰۰

نگردید. برای شناخت بیشتر رابطه متغیرهای رسمی و غیررسمی هنجارگرایی با پایداری اجتماعی، آزمون‌های جداگانه همبستگی صورت گرفت. نتایج

همان‌طور که مشخص است، به سبب مقدار ۰,۱۱۵، سطح معناداری و بیشتر بودن آن از ۰,۰۵، هیچ رابطه معناداری میان پایداری اجتماعی و هنجارگرایی تأیید



پایداری اجتماعی را مدنظر قرار داده است. جدول شماره ۵ نشان دهنده نتیجه آزمون میان این گویه‌هاست.

تأیید نمود هنجارگرایی غیررسمی با پایداری اجتماعی در ارتباط همبستگی نسبتاً ضعیف، اما معناداری قرار دارد ( $r=0.212, sig=0.00$ ). فرضیه دوم، متغیرهای اتصال به شبکه‌های اجتماعی و

جدول شماره ۵ - آزمون فرضیه دوم تحقیق

اتصال به شبکه‌های اجتماعی	
Pearson Correlation (**)	۰.۳۶۵
Sig. (2-tailed)	۰.۰۰۰
N	۴۰۰

همبستگی‌های قویتری را دارا بودند. بنابراین، مشخص گردید، شبکه‌های غیررسمی بر پایداری اجتماعی محله اثرگذارتر هستند. فرضیه سوم رابطه میان اعتماد و پایداری اجتماعی را مورد آزمون قرار می‌دهد. جدول شماره ۶ نشان دهنده آزمون همبستگی میان این دو متغیر است.

به سبب صفر بودن سطح معناداری و کمتر بودن این مقدار از  $0.05$ ، رابطه میان پایداری اجتماعی و اتصال به شبکه‌های اجتماعی، در سطح نزدیک به متوسط تأیید شدند. بنابراین، می‌توان پذیرفت، اتصال بیشتر به شبکه‌های اجتماعی بر پایداری اجتماعی محله مؤثر است. نکته درخور توجه این که، در میان شاخص‌های شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های غیررسمی

جدول شماره ۶ - آزمون فرضیه سوم تحقیق

اعتماد	
Pearson Correlation (**)	۰.۳۸۹
Sig. (2-tailed)	۰.۰۰۰
N	۴۰۰

پایداری اجتماعی به نمایش گذاشتند. بنابراین، می‌توان پذیرفت، اعتماد از نوع غیررسمی و وابسته به درون محله، بر پایداری اجتماعی محله غیررسمی اثرگذارتر است. فرضیه چهارم، رابطه میان مشارکت پذیری و پایداری اجتماعی را مورد آزمون قرار می‌دهد که در جدول شماره ۷ به نمایش گذاشته شده است.

نظر به اینکه مقدار سطح معناداری از  $0.05$  کمتر است، این فرضیه تأیید می‌شود. بنابراین، میان اعتماد و پایداری اجتماعی، همبستگی مثبت و معنادار نزدیک به متوسطی برقرار است. در این میان، اعتماد به نهاد شورایی ( $r=0.276, sig=0.00$ ) و همسایگان ( $r=0.274, sig=0.00$ ) بیشترین همبستگی را با

## جدول شماره ۷ - آزمون فرضیه چهارم تحقیق

مشارکت پذیری	
Pearson Correlation (**)	۰۲۷۳.
Sig. (2-tailed)	۰۰۰۰
N	۴۰۰

نهادهای مردمی درون محله برای دستیابی به پایداری اجتماعی مورد تأکید قرار گرفت. فرضیه پنجم که به موضوع اصلی تحقیق مربوط است، رابطه میان سرمایه اجتماعی و پایداری اجتماعی را مد نظر دارد.

با عنایت به اینکه، رابطه همبستگی نسبی میان این دو متغیر، در سطح قابل قبولی تأیید شد، این فرضیه نیز تأیید می‌گردد. نکته درخور تأمل اینکه در این بخش، مشارکت با شورایاری ( $r=0.295, sig=0.00$ ) بالاترین همبستگی را نشان می‌دهد، اهمیت مشارکت با

## جدول شماره ۸ - آزمون فرضیه پنجم تحقیق

توسعه پایدار اجتماعی	
Pearson Correlation (**)	۰۴۷۳.
Sig. (2-tailed)	۰۰۰۰
N	۴۰۰

متغیر وابسته و متغیر سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر مستقل فرض شده است؛ هر چند در پژوهش‌های اجتماعی به سبب تنیدگی و آثار پیش بینی نشده، نمی‌توان با قطعیت در مورد مستقل یا وابسته بودن متغیرها اظهار نظر نمود. در انجام تحلیل رگرسیونی روش‌های گام به پیش<sup>۱</sup> و گام به پس<sup>۲</sup> مرسوم است.

این روش‌ها با هدف حذف متغیرهای بی‌معنی صورت می‌گیرد که در روش اول، ابتدا رگرسیون با یک متغیر توضیحی تخمین زده شده، سپس متغیر

جدول شماره ۸ نشان می‌دهد، در سطح معنادار یک درصد، رابطه همبستگی نزدیک به متوسطی میان سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار اجتماعی برقرار است.

## ۵-۴- تحلیل چند متغیره

رگرسیون چند متغیره ابزار خوبی است برای انجام پیش بینی و آزمون فرضیه که در روش‌های مرسوم به دنبال بررسی رابطه بین یک متغیر وابسته و چند متغیر مستقل است (مومنی و قیومی، ۱۳۸۹: ۱۳۵).

در این پژوهش، متغیر پایداری اجتماعی به عنوان

<sup>1</sup> Fore ward

<sup>2</sup> Back ward

همبستگی مستقیم و قابل قبول را نشان می‌دهد. و ضریب تعیین معادل ۰,۲۸ است که تأکید می‌نماید ۲۸ درصد از متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل ارزیابی شده است و دیگر موارد به متغیرهایی مربوط هستند که در این تحقیق مورد نظر قرار نگرفته است. ضمناً با مراجعه به سطح معناداری، مشخص است که با قبول یک درصد خطا و اطمینان ۹۹ درصد نتایج به دست آمده را می‌توان به کل محله غیررسمی شمیران نو تعمیم داد.

دیگری وارد می‌شود. در روش دوم، ابتدا متغیرهای توضیحی به صورت همزمان وارد مدل می‌شوند و سپس از متغیری که کمترین سطح معناداری را داراست، شروع به حذف کردن می‌گردد. اما روش دوم بسیار متداول‌تر است و در این بخش استفاده می‌شود (یاراحمدی و عزیز، ۱۳۸۶: ۱۶۶). همان طور که در جدول شماره ۹ مشاهده می‌شود همبستگی چندگانه متغیرهای مستقل اعتماد، اتصال به شبکه‌ها، مشارکت‌پذیری و هنجارگرایی با متغیر وابسته پایداری اجتماعی معادل ۰,۵۳۱ است که یک

جدول شماره ۹ - تحلیل رگرسیون چندگانه

Model	R	R Square	F	Sig
	.531	.282	38.692	0.000

وابسته هستند و برای ساخت معادله رگرسیون قابل استفاده‌اند.

با مراجعه به جدول شماره ۱۰ مشخص است که به سبب کمتر بودن مقادیر سطح معناداری از ۵ درصد، تمامی متغیرهای مستقل دارای رابطه خطی با متغیر

جدول شماره ۱۰- ضرایب رگرسیونی استخراج شده توسط نرم افزار Spss

متغیر استفاده شده	مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		سطح معناداری t	
		B	Std. Error	Beta	B	Std. Error	
-	مقدار ثابت	.980	.135	-		7.239	.000
H	هنجارگرایی	.048	.021	.099		2.291	.022
SH	شبکه‌ها	.234	.036	.287		6.532	.000
E	اعتماد	.274	.040	.301		6.850	.000
M	مشارکت	.073	.017	.190		4.342	.000

داراست. ضمناً مشارکت‌پذیری و هنجارگرایی از اهمیت کمتری برخوردارند. برای پذیرش این یافته‌ها

براساس نتایج به دست آمده از رگرسیون چندگانه، مشخص است که اعتماد و اتصال به شبکه‌های اجتماعی بیشترین رابطه را با پایداری اجتماعی

اشتباه است. بنابراین، برای تحلیل شاخص‌ها و خصوصیات اجتماعی ساکنان این محله، مبانی نظری مرتبط با مهاجرت‌های روستایی و آثار آنها بر شهرها مورد اهمیت نیستند. ضمناً این یافته تأیید می‌نماید الگوی سکونتی محله مذکور، به سمت جذب ساکنان شهرنشین کم درآمد گرایش پیدا کرده است.

نتایج همبستگی‌ها، قویتر بودن رابطه مؤلفه‌های غیررسمی سرمایه اجتماعی با توسعه پایدار اجتماعی را تأیید نمود. یافته‌های پژوهش‌های پیشین نشان داده بود که کنش‌های جمعی نواحی کمتر توسعه یافته، به علت نبود ساز و کارهای رسمی و ضعف اجتماعات محلی برای استفاده از شبکه‌های رسمی، به سمت نهادهای غیررسمی گرایش سوق داده شده است (نوابخش و فدوی، ۱۳۸۷: ۴۴). در این تحقیق نیز مشخص شد بخش غیررسمی سرمایه اجتماعی، بیشتر از بخش رسمی استفاده شده است. هر چند سرخوردگی‌های اجتماعی و ناتوانایی‌های عمومی ساکنان برای اتصال به شبکه‌های رسمی، در شکل‌گیری شرایط فعلی بی‌نقش نبوده است، اما نبود سازوکارهای رسمی برای استفاده از توانایی‌های پنهان این اجتماع نیز مزید بر علت بوده است. بنابراین، در شرایط فعلی استفاده از بخش غیررسمی سرمایه اجتماعی به عنوان ظرفیت اجتماعی بالفعل و بخش رسمی آن به عنوان ظرفیت اجتماعی بالقوه شناسایی می‌شود. این نتایج تأیید کننده ارجحیت هیچ یک از این بخش‌ها نسبت به دیگری نیست و تنها انعکاس دهنده اوضاع فعلی اجتماع محلی است.

ناتوانی اقتصادی ساکنان محله برای تغییر اوضاع سکونتی، یکی از مهمترین دلایل آنها برای باقی

توجه به ضرایب استاندارد شده بتا لازم است<sup>۱</sup> (مومنی و قیومی، ۱۳۸۹: ۱۳۹). فرمول زیر رابطه میان متغیرهای تحقیق را ترسیم می‌نماید:

$$Y = 0.98 + 0.048 H + 0.234 SH + 0.274 E + 0.073 M$$

بنابراین، بیش از آنکه پایداری اجتماعی محله، تابعی از تغییرات هنجارگرایی و مشارکت‌پذیری ساکنان باشد، تحت تأثیر اعتماد و اتصال به شبکه‌های اجتماعی ساکنان است.

#### ۵- بحث و بررسی

این پژوهش با هدف ارزیابی ارتباط میان سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار اجتماعات غیررسمی در محله‌ای واقع در محدوده شهرداری منطقه ۴ تهران به صورت توصیفی-پیمایشی انجام شد. انتخاب سکونت‌گاه غیررسمی برای این تحقیق، به علت توجه سازمان‌های جهانی برای ساخت ظرفیت‌های پایدار و استفاده از ساکنان این محلات برای بهبود کیفیت زندگی صورت گرفت. سرمایه اجتماعی در قالب ظرفیتی برای کاهش هزینه‌های عمومی و توسعه پایدار محله‌ای به عنوان هدف مدیریت شهری، دو متغیر این تحقیق را تشکیل دادند.

داده‌های آماری مربوط به مبدا مهاجرت پاسخ دهندگان، نشان داد این پیش فرض که ساکنان سکونتگاه غیررسمی شمیران نو به علت مهاجرت‌های خارج استانی به این محله وارد شده‌اند،

<sup>۱</sup> هر چقدر قدر مطلق مقدار استاندارد شده ضرایب بیشتر باشد، آن متغیر رابطه قوی تری با متغیر مستقل دارد (مومنی و قیومی، ۱۳۸۹: ۱۳۹)

ماندن در یک محله غیررسمی است؛ عاملی ناخواسته که با بی‌علاقگی به مشارکت و کم‌اهمیتی نسبت به آینده محله همراه شده است. بنابراین، آثار سکونتی بلند مدت این افراد در محله، کمتر به سمت افزایش سرمایه اجتماعی و در نتیجه، توسعه پایدار اجتماع محله‌ای گرایش پیدا می‌کند. در نتیجه، به نظر می‌رسد برای سنجش سرمایه اجتماعی در محله‌های غیررسمی، انتخاب شاخص‌ها و مدل‌های متفاوت لازم است. نهاد شورایی به عنوان پل ارتباطی فعالیت‌های شهری با اجتماعات محلی، مؤثرترین ساختار اجتماعی شناسایی شد. بنابراین، هر اقدامی که زمینه افزایش اعتماد عمومی به این نهاد، افزایش مشارکت‌پذیری و مردمی شدن نمایندگان شورایی را فراهم سازد، گام مؤثری در راستای ظرفیت‌سازی اجتماعی و در نتیجه دستیابی به توسعه پایدار اجتماعی است. از سویی، ضعف اعتماد و عدم تمایل به مشارکت با نهادهایی مثل دولت، بخش‌های مختلف شهرداری و نیروی انتظامی، اهمیت توجه هر چه بیشتر این نهادها به اجتماعات محله‌ای را برای دستیابی به توسعه پایدار محله‌ای گوشزد می‌نماید.

## ۶- جمع بندی

نتایج آزمون فرضیه‌ها تأیید می‌کند که سرمایه اجتماعی ساکنان سکونتگاه غیررسمی با توسعه پایدار اجتماعی در ارتباط مثبت و معناداری قرار دارد. تقویت هر چه بیشتر اعتماد و افزایش فرصت برای اتصال ساکنان به شبکه‌های اجتماعی مورد تأکید آزمون‌های همبستگی برای دستیابی به توسعه پایدار اجتماعی است.

بررسی است. از سوی دیگر، بررسی مؤلفه‌های پایداری اجتماعی نشان داد که مسأله اصلی ناپایداری اجتماعی به مشکلات مربوط به تعاملات اجتماعی افراد وابسته است و توسعه یافتگی فردی پاسخ دهندگان، سطح مطلوبتری نسبت به سایر مؤلفه‌ها دارد. بنابراین، کلید دستیابی به پایداری اجتماعی در محله شمیران نو، استفاده از سرمایه اجتماعی غیررسمی و تقویت روابط رسمی و اتصال مردمی به نهادهای رسمی است. در این میان، برنامه‌هایی که توسعه یافتگی‌های فردی را به توسعه یافتگی اجتماعی بدل نماید، برنامه ظرفیت‌سازی مناسبی به شمار می‌آید.

## پیشنهاد‌های اجرایی

۱- بها دادن به اجتماعات غیررسمی و برنامه ریزی برای تکامل آنها در راستای مشارکت شهروندی، هم با ظرفیت‌سازی اجتماعی همراه است و هم در طولانی مدت زمینه ساز بهبودشان اجتماعی، اقتصادی و محیطی این محلات خواهد شد. بنابراین، تقویت

پیش نیاز دستیابی به نتایج پژوهشی عمیق و اثرگذار، با همکاری و همراهی ساکنان این محلات است.

### پیشنهاد‌های پژوهشی

۱- شناسایی عوامل مؤثر برای رفع بی‌اعتمادی ساکنان محلات غیررسمی نسبت به نهادهای رسمی، یکی از مهمترین نیازهای پژوهشی برای ایجاد سرمایه اجتماعی رسمی است. این مهم مقدور نمی‌شود، مگر با انجام پژوهش‌های مردم‌نگارانه و عمیق که با جمع‌آوری داده‌های حقیقی از درون اجتماعات این محلات همراه باشد.

۲- شناسایی علایق، ابزارها، توانایی‌ها و تمایلات گروه‌های اجتماعی حاضر در محلات غیررسمی، پیش‌نیاز هر طرح اصلاحی و توسعه‌ای به‌شمار می‌رود، زیرا استفاده از ابزارها و تمایلات گروه‌ها در راستای دستیابی به پایداری محلات غیررسمی، ابزاری مطمئن، کم‌هزینه، پایدار و هدف‌نهایی ظرفیت‌سازی این سکونتگاه‌ها به حساب می‌آید.

### منابع

- ۱- ایراندوست، کیومرث. (۱۳۸۸). سکونتگاه‌های غیررسمی و اسطوره حاشیه‌نشینی، تهران: نشر شهر.
- ۲- میرکافی، مهدی. (۱۳۸۸). "بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: شهر تهران)"، فصلنامه تحقیقات علوم انتظام اجتماعی ایران، صص ۳۳-۵۶.
- ۳- بیگلری، شادی. (۱۳۸۹). ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در پایداری محله‌ای - ناحیه ۲ شهرداری منطقه ۴ تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای

برنامه‌های مشارکتی و بها دادن به اجتماعات مردمی محلات غیررسمی، یکی از روش‌های مؤثر برای افزایش اعتماد و تمایل به مشارکت‌پذیری است. برای دستیابی به این هدف، کنار گذاشتن پیش‌زمینه‌های ذهنی غلط مدیران و مسئولان نسبت به ساکنان محلات غیررسمی، نخستین برنامه ظرفیت‌سازی به‌شمار می‌آید.

۲- تسهیل فرایندهای رسمی و ایجاد فرصت برای برقراری تبادلات سازنده ساکنان محلات غیررسمی با نهادهای رسمی، یکی از مهمترین روش‌های افزایش اعتماد شناسایی شد. جای تأکید دارد این مهم محقق نخواهد شد، مگر با افزایش توانایی‌های اجتماعی ساکنان محله برای مطالبه حقوق قانونی خود و بهبود فرایندهای پاسخ‌دهی به خواسته‌های آنها از طریق اصلاح فرایندهای رسمی.

۳- ایجاد سازوکارهایی برای ورود نمایندگان دلسوز و مردمی به شورایاری محله، به مثابه ساخت قلبی تپنده در راستای پایداری اجتماعی است. مدیریت صحیح شورایاری برای حل مشکلات اصلی محله، عاملی مؤثر برای تقویت مشارکت عمومی است. ضمناً اطلاع‌رسانی دقیق و بموقع فعالیت‌های شورایاری، مهمترین وسیله برای حفظ و نگهداری اعتماد ساکنان محله نسبت به این نهاد مردمی است.

۴- انجام طرح‌های پژوهشی متعدد در محلات غیررسمی که با تأثیرات مورد انتظار ساکنان این محلات همراه نبوده، باعث کاهش اعتماد این اجتماعات نسبت به محققان شهری شده است. ایجاد ضمانت برای محقق‌سازی نتایج پژوهش‌ها و افزایش حساسیت مدیران اجرایی نسبت به تحقیقات میدانی،

- شهری، تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- پیران، پرویز. (۱۳۷۳). "آلونک نشینی در ایران - بخش اول"، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۳۴، صص ۱۹-۴۳.
- پیران، پرویز؛ موسوی، میرطاهر؛ شیانی، ملیحه. (۱۳۸۵). "کارپایه مفهومی و مفهوسازی سرمایه اجتماعی (با تأکید بر شرایط ایران)"، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ش ۲۳، صص ۹-۴۴.
- توکلی نیا، جمیله؛ استادی سیسی، منصور. (۱۳۸۸). "تحلیل پایداری محله‌های کلان شهر تهران با تأکید بر عملکرد شورایی‌ها نمونه موردی: محله‌های اوین، درکه و ولنجک"، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ش ۷۰، صص ۲۹-۴۳.
- هال، پیترو. (۱۳۸۸). *آینده شهری قرن ۲۱*، صادقی، تهران: جامعه مهندسان مشاور ایران.
- خاکپور، براتعلی؛ مافی، عزت‌الله؛ باوان پوری، علیرضا. (۱۳۸۸). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای (نمونه: کوی سجادیه مشهد). *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، (۱۲)، صص ۵۵-۸۱.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی؛ آذر، عادل. (۱۳۸۹). روش شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: انتشارات صفار-اشراقی.
- ربانی، رسول؛ کلانتری، صمد؛ یآوری، نفیسه. (۱۳۸۳). "پدیده حاشیه نشینی و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی آن (ارزنان و دارک اصفهان)"، *پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ش ۱۷، صص ۱۱۹-۱۵۴.
- ربیعی، کامران. (۱۳۸۳). "یک بازی یک نفره"، (اسفند تدوین)، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، صص ۶۲-۶۵.
- رفیعیان، مجتبی؛ عسگری، علی؛ عسگری راد، زهرا. (۱۳۸۸). "سنجش میزان رضایتمندی سکونتی ساکنان محله نواب"، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ش ۶۷، صص ۵۳-۶۸.
- سالک، نما. (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر پایداری توسعه در فرآیند برنامه ریزی شهری، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی شهری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- سیامکی، سالار. (۱۳۸۹). ارزیابی کارکرد شهرداری در ارتقاء کیفیت زندگی شهری - مطالعه‌ای در منطقه ۴ شهرداری تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت شهری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- شریفیانی ثانی، مریم. (۱۳۸۰). مشارکت شهروندی، حکمروایی شهری و مدیریت شهری، *فصلنامه مدیریت شهری*، ش ۸، صص ۴۲-۵۵.
- شریفیانی ثانی، مریم؛ ملکی سعید آبادی، امیر. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی به مثابه یک سیستم پیچیده، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ش ۲۳، صص ۴۵-۶۵.
- شفیعا، سعید. (۱۳۸۹). رابطه ظرفیت اجتماعی ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی با توسعه پایدار محله‌ای، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت شهری، دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی.
- شفیعا، سعید. (۱۳۹۰). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار اقتصاد محله - بررسی: فعالان اقتصادی محله غیررسمی شمیران نو، مجموعه مقالات اولین همایش اقتصاد شهری، مشهد، صص ۱-۱۶.
- عزیزی، محمدمهدی. (۱۳۸۵). محله مسکونی پایدار: مطالعه موردی نارمک. *هنرهای زیبا*، ش ۲۷، صص ۳۵-۴۶.

- غفاری، غلامرضا؛ امید، رضا. (۱۳۸۸). کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی، تهران: نشر شیرازه.
- فیلد، جان. (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی، انتشارات کویر، تهران.
- قرخلو، م. (۱۳۸۵). شاخص‌های توسعه پایدار شهری. فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ش ۸، صص ۱۵۷-۱۷۷.
- کاظمیان، غلامرضا؛ سعیدی رضوانی، نوید. (۱۳۸۱). امکان‌سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداری‌ها - جلد دوم. سازمان شهرداری‌ها، تهران.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت. (مترجم: ثلاثی) تهران: نشر مرکز.
- کتابی، محمود؛ گنجی، محمد؛ احمدی، یعقوب. (۱۳۸۳). دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی، پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ش ۱۷، صص ۱۶۹-۱۹۲.
- محمدی، علی رضا؛ روستا، مجید. (۱۳۸۴). توسعه اجتماع-محور (CDD): سازوکاری برای ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، هفت شهر، ش ۲۳ و ۴، صص ۸۸-۱۰۵.
- مرکز سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل. (۱۳۸۸). شهرها در فرآیند جهانی شدن: گزارش جهانی سکونتگاه‌های انسانی ۲۰۰۱، تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
- مومنی، منصور؛ فعال قیومی، علی. (۱۳۸۹). تحلیل‌های آماری با استفاده از Spss، تهران: نشر مؤلف.
- مهندسین مشاور عرصه. (۱۳۸۸). طرح تفصیلی منطقه ۴ شهرداری تهران. تهران: مهندسین مشاور عرصه.
- ناطق پور، محمد جواد؛ فیروزآبادی، سید احمد. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران. جامعه‌شناسی ایران (۲۴)، صص ۵۹-۹۱.
- نراقی، یوسف. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی و توسعه، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
- نوابخش، مهرداد؛ ارجمند سیاه پوش، اسحق، (۱۳۸۸)، مبانی توسعه پایدار شهری. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- نوابخش، مهرداد؛ فدوی، جمیله. (۱۳۸۷). بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه شهری (مطالعه موردی منطقه ۵ شهر تهران). پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، ش ۳، صص ۲۵-۴۷.
- نوریان، فرشاد. (۱۳۸۵). تبیین معیارها و شاخص‌های پایداری در محله مسکونی، نشریه شهرنگار، ش ۲، صص ۲۱-۳۴.
- نصیری، معصومه. (۱۳۸۷). بررسی نقش سازمان‌های غیر دولتی در مشارکت اجتماعی ساکنان محلات، مجموعه مقالات همایش توسعه محله‌ای، تهران: انتشارات طرح نو، صص ۱۱-۳۹.
- هاروی، دوید. (۱۳۷۶). عدالت اجتماعی و شهر. (ترجمه حائری، منادی زاده)، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- یاراحمدی، داریوش؛ عزیزی، قاسم. (۱۳۸۶). تحلیل چند متغیره ارتباط میزان بارش فصلی ایران و شاخص‌های اقلیمی، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، صص ۱۶۱-۱۷۴.
- 38-Asadi, Ali; Akbari, Morteza; Shabanali Fami, Hossain; Irvani, Hoshang; Rostami, Farahnaz; Sadati, Abolhasan. (2008), Poverty Alleviation and Sustainable Development: The



- 46-Harper, R., & Kelly, M. (2003), *Measuring Social Capital in the United Kingdom*. London: Office for National Statistics.
- 47-Jozsa, Alex and Brown, Brown . (2005), Neighbourhood sustainability indicators report on a best practice workshop, McGill University and the Urban ecology center, Montreal.
- 48-Kates, Robert; parris, Thomas; Leiserowitz, Anthony. (2005), WHAT IS SUSTAINABLE DEVELOPMENT? GOALS, INDICATORS, VALUES, AND PRACTICE. Science and policy for Sustainable Development , 32:8-21.
- 49-Mignone, J. (2003), *Measuring Social Capital*. (Ottawa, Ed., & C. I. Information, Trans.) Ottawa, Measuring Social Capital: 2003.
- 50-Narayan, D; Pritchett, L. (1999), Cents and Sociability: Household Income and Social Capital in Rural Tanzania. Economic Development and Cultural Change, 47(4): 871-897.
- 51-OECD. (2001), The well-being of Nations: the role of human and social capital, Paris:ODEC Publication
- 52-Onyx, J., & Bullen, P. (2000), Sources of social capital. *Social Capital and Public Policy in Australia* , 105-134.
- 53-Sampson,R ; Raudenbush,S,W. (1999), Systematic social observation of public space: new look at disorder in urban neighbourhoods, American Journal of Sociology, 105,3, 51-603.
- 54-The World Bank Group. (2003), Measuring the Dimensions of Social Capital. Role of Social Capital. *Journal of Social Sciences* 4 (3): 202-215.
- 39-Bhuiyan, Shahjahan; Evers, Hans-Dieter. (2005), Social Capital and Sustainable Development:Theories and Concepts, Bonn : Department of Political and Cultural Change-University of Bonn.
- 40-BNIA. (2005), *Vital Signs: Measuring Baltimore's progress towards strong neighborhoods and a thriving city*. Baltimore: BNIA.
- 41-Buck, N. (2005), Social Cohesion in Cities. In *Changing Cities : Rethinking Urban Competitiveness, cohesion and governance* (pp. 44-61). London: Plagrave Macmillan.
- 42-Carroll, T. F. (2001), *Social Capital, Local Capacity Building, and Poverty Reduction*. Manila: Office of Environment and Social Development Asian Development Bank.
- 43-De Vita, Carol J; Fleming, Cory; Twombly, Eric C. (2001), Building Nonprofit Capacity:A Framework for Addressing the Problem. In C. J. De Vita, & C. Fleming, Building Capacity in Nonprofit Organizations (pp. 5-33), Washinton D.C : The Urban Institute.
- 44-Edwards, R W. (2004), Measuring Social Capital , An Australian Framework and Indicators. CANBERRA TIME, the Australian Bureau of Statistics.
- 45-Eade, Deborah; Williams, Suzanne. (1995), *The Oxfam Handbook of development and Relief*. London: Oxfam Publication.

<http://go.worldbank.org/BOA3AR43W0>.(2010/02/21)

55-UN-HABITAT. (2008), *an asset-based approach to community development and capacity building*. Nairobi: Earthscan publication.

56-UN-HABITAT. (2005), *Financing urban shelter*, London: EARTHSCAN Publication.

57- Urban Ecology Coalition. (1999), *Neighborhood Sustainability Indicators Guidebook-How To Create Neighborhood Sustainability Indicators in Your Neighborhood.*, Minneapolis : Crossroads Resource Center.

